

The General Outline of Islamic Thought in Karbala, Centered on Imam Husayn's (AS) Eighth of Dhul-Hijjah Sermon in Mecca

Seyed Ali Asghar Alavi¹ 



Received: 2024/12/31 • Revised: 2025/03/18 • Accepted: 2025/03/18 • Online Publication Date: 2025/07/01

Abstract

Presenting religion in a coherent and systematic way, where various religious propositions are meaningfully connected and describe a unified spirit, is a serious need today. Such an outline is more trustworthy if derived from an infallible text. Imam Husayn's (AS) last speech in Mecca possesses precisely this worthy characteristic, from which the general outline of Islamic thought in Karbala can be inferred. In that sermon, Imam Husayn (AS) articulated the fundamental principles of religion and his own movement. This research aims to provide an analysis of this general outline of Islamic thought, using an ijthadi (analytical-inferential) method, centered on one of Imam Husayn's (AS) key statements. The study utilized a documentary method for data collection. In this research, the main passages of the sermon were identified, and their meanings were explained step by step within a structured, progressive framework. One of the significant outcomes of this research is that it will make the reader's

1. PhD, Quran and Sciences, Major in Management, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
Email: modirekarbala313@chmail.ir

* Alavi, Seyyed Ali Asghar. (2025). "The General Outline of Islamic Thought in Karbala, Centered on Imam Husayn's (AS) Eighth of Dhul-Hijjah Sermon in Mecca". *Philosophia et Theologia Dialogues in Criticism and Reflection*, 30(118), pp. 164-199.
<https://doi.org/10.22081/jpt.2025.70647.2195>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Research Institute, Qom, Iran

© The Authors



۱۶۴
سال سی و دوم، شماره دوم (پیاپی ۱۱۸)، تابستان ۱۴۰۴

engagement with the words of the Infallibles active and problem-oriented, leading to a disciplined, active, and vibrant understanding of crucial concepts such as Tawhid (monotheism), Prophethood, and Ma'ad (resurrection). Furthermore, it will provide a blueprint and plan for a unified and cohesive thought system derived from lofty religious concepts.

Keywords

General Outline of Islamic Thought, Karbala, Imam Husayn (AS), Eighth of Dhul-Hijjah Sermon, Mecca Sermon.





طرح کلی اندیشه اسلامی در کربلا با محوریت خطبه هشتم ذی‌الحجه امام حسین (علیه السلام) در مکه



سیدعلی اصغر علوی^۱ 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

ارائه دین به صورت منسجم و نظام‌مند به گونه‌ای که انواع گزاره‌های دینی در ارتباط معناداری قرار گیرند و روح واحدی را توصیف کنند، از نیازهای جدی امروز است. این طرح کلی اگر از یک متن معصومانه گرفته شود، اطمینان‌آورتر است. آخرین سخنرانی امام حسین (علیه السلام) در مکه دارای چنین ویژگی شایسته‌ای است که می‌توان از آن به طرح کلی اندیشه اسلامی در کربلا یاد کرد. امام حسین (علیه السلام) در آن خطبه، مبانی اصلی دین و حرکت خویش را بیان می‌کنند. این تحقیق بر آن است که با استفاده از روش اجتهادی (تحلیلی - استنباطی)، با محوریت یکی از بیانات کلیدی امام حسین (علیه السلام)، تحلیلی از طرح کلی اندیشه اسلامی ارائه کند. این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی بهره برده است. در این پژوهش، فرازهای اصلی خطبه احصا شده و مرحله به مرحله معارف آن در یک هندسه سیرمند تبیین شده است. ازجمله ره‌آورد های

۱. دکتری تخصصی، قرآن و علوم، گرایش مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

Email: modirekarbala313@chmail.ir

* علوی، سیدعلی اصغر. (۱۴۰۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در کربلا با محوریت خطبه هشتم ذی‌الحجه امام حسین (علیه السلام) در مکه. نقدونظر، ۳(۱۱۸)، صص ۱۶۴-۱۹۹.

<https://doi.org/10.22081/jpt.2025.70647.2195>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران © نویسندگان

© The Authors



مهم این پژوهش آن است که نوع مواجهه خواننده را با کلمات معصومین علیهم السلام فعال و مسئله محور خواهد کرد و درکی منضبط، فعال و زنده از مفاهیم مهمی، مانند توحید، نبوت و معاد خواهد داشت؛ همچنین طرح و نقشه‌ای از یک اندیشه متحدالاجزا و متماسک از مفاهیم بلند دینی خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها

طرح کلی اندیشه اسلامی، کربلا، امام حسین علیه السلام، سخنرانی هشتم ذی الحجه، خطبه مکه.



ارائه دین به صورت منسجم و نظام‌مند به گونه‌ای که انواع گزاره‌های دینی در ارتباط معناداری قرار گیرند و روح واحدی را توصیف کنند، از نیازهای جدی امروز است. گذشته از این خلاء، تمرکز بیش از اندازه بر جنبه‌های نظری هم باعث می‌شود از جنبه‌های اجتماعی و عملی دین غفلت شود، و همچنین یک طرح کلی برای مرور اندیشه ناب اسلامی وجود نداشته باشد؛ از این رو طراحی جدیدی از نظام اندیشه اسلامی، به مثابه نیازی جدی احساس می‌شود. از سوی دیگر، برای پاسخگویی به این مسئله، به بستری فراگیر و جذاب برای ارائه آن طرح کلی نیاز است تا بتوان با کمک گرفتن از آمیزه قلب و عقل، بهترین طرح را همراه ضمانت اجرای آن داشت. در اینکه آموزه‌های عاشورا و درس‌های کربلا منبعی سرشارند، و اگر دستگاه فکری جامعه مبتنی بر نظام فکری عاشورایی امام حسین (علیه السلام) و اصحابشان ساخته شود نوید عصر ظهور است، شکی نیست و به این مسئله مهم، چنانکه در ادامه به تفصیل خواهد آمد، در دستگاه معارف کربلا پاسخ داده شده، و در اساس یکی از علل تأکید اولیای دین بر احیای حادثه عاشورای حسینی همین بوده است. دریافت معارف ناب دین از طنین صدای امام مظلوم عاشورا شنیدنی است و این شنیدن، مساوق پذیرش و مقبولیت و تبعیت است. در واقع امام حسین (علیه السلام) به واسطه محبوبیت جهانی خویش، مناسب‌ترین محمل برای بیان دین خداست و کافی است از حنجره او معارف دین را شنید تا به واسطه مختصات بی‌بدیل پدیده‌های عاشورایی‌اش، انسان را چنانکه شایسته است، تربیت کند. گام بعد از آن، ارائه یک نظام فکری است؛ نظامی کامل و به هم پیوسته و منسجم از این معارف تا هر آموزه در جای خود قرار گیرد و به درستی تبیین شود. امروز به این جایابی و جانشانی آموزه‌های عاشورایی به شدت نیاز است.

برای بیان اصول اندیشه‌های امام حسین (علیه السلام)، مدت‌ها مطالعه و تحقیق و مواجهه با انواع دسته‌بندی‌ها و تبویب‌ها و ... نتیجه و دستاوردهای اولیه تحقیق بود. شیوه‌های



مختلفی که می شد بر اساس آن الگو گرفت، دیده شد: از آثار مختلفی، مانند امام خمینی (۱۳۸۹)، حکیمی و دیگران (۱۳۸۳)، مصباح و دیگران (۱۳۹۹)، سرفصل های نظام اندیشه اسلامی بر اساس امام خامنه ای (۱۳۹۲) و

این تحقیق مدت ها در پی یک مبنای محکم و متقن برای بنای خویش بود تا اینکه با خطبه هشتم ذی الحجه امام حسین (ع) در مکه برخورد کرد؛ خطبه ای که به نحوی بیانیۀ ماجرای کربلا و سند بالادستی حماسۀ عاشورا است که حضرت تلاش می کند تا نظام اندیشه خویش را در آن نشان دهند. خطبه هشتم ذی الحجه آخرین خطبه ای بود که امام (ع) در مکه خواندند و فردای آن روز حرکت کردند. این خطبه سخنرانی مهمی بود که امام حسین (ع) در آن به ضرورت باید عمده مطالبی را که مخاطبان درباره این اتفاق بزرگ تاریخ ساز و تمدن آفرین بدانند، بیان کنند. جدا از عصمت و امامت حضرت (ع)، در اساس یک انسان هوشمند و دورنگر در آغاز یک حرکت عظیم، در جمع همراهان خود به تبیین اهداف حرکت خود می پردازد تا مقصد و مسیر را به آنها نشان دهد. این خطبه را از این منظر باید دید که حضرت (ع) در آن به چشم انداز حرکت خود اشاره می کند؛ خطبه ای که فقط یک سند توصیفی نیست، بلکه گزاره های مشهود تجویزی و توصیه ای نیز در آن دیده می شود. حسینی شدن با همه مختصاتش در این خطبه که آمیختگی با اقدامات و تعهدات عملی است، به خوبی ترسیم و تبیین شده است.

آنچه در ادامه تقدیم خواهد شد، تلاشی برای ارائه طرح کلی اندیشه اسلامی است با محوریت خطبه ای که به منزله یک سند بالادستی عقاید می توان از آن نام برد. بازوان اندیشه این سند بالادستی تا انتهای کربلا سایه افکنده است. این خطبه توانست زیرساخت این پژوهش قرار گیرد. این پژوهش به جای آنکه به صورت خودبنیاد، تبویبی ابداع شود و به سوی اندیشه های دیگران بچرخد، به سوی متنی رهنمون شد که حجیت داشت. در نتیجه در گیر ساختارهای این و آن نشد و پایبند متنی شد که یادگار خود امام حسین (ع) بود. این خطبه در عین اختصار، مضامین بسیار بلندی را به صورت





منسجم در خود دارد. سیر الهیات اجتماعی از توحید تا تمدن اسلامی را در این خطبه پرمغز می‌توان دید؛ سیری که با مراتب توحیدی آغاز می‌شود و با نبوت توضیح داده می‌شود، و هر قدر جلوتر می‌رود ولایت در آن پرفروغ‌تر می‌شود و در اوجش با ولایت و معیت امام پایان می‌یابد. این حرکت و معیت در این خطبه با این پیشینه مستحکم توحیدی شایان توجه است: «وَرُوِيَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِمَ عَلَى الْخُزُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۶۷)؛ «روایت شده است آن زمانی که حضرت اراده حرکت به سمت عراق را نمود، ایستاد و خطبه‌ای را انشا فرمود»، زیرا یک فرمانده و رهبر در ابتدای حرکت بزرگ خود با ترسیم دقیق نهضت خویش سعی در توجیه بهتر نیروهای خویش و آشنایی بهتر افکار عمومی از آن حرکت دارد. بنابراین آنچه فهمش برای آنان که مایل‌اند با امام همراه شوند ضروری است، لازم است در آن کلام بیان شود تا برای مخاطبان - آنها که آمده و آنها که نیامده‌اند - تاریخش سند قابل احتجاجی باشد.

عامل اصلی برای حرکت و جنبش در هر ملتی، وجود مکتب غنی و مبدأ فکری شایسته‌ای است که با آن، اهداف خود را بسنجند و طبق آن، الگوهای کلان زندگی را تنظیم کنند و در شعاع آن، با کمال اعتماد به رسالتی که دارند، شخصیت روحی بیابند و حرکت کنند (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۷).

با این توضیحات، ماجرای عاشورا و در مرکزیت آن، خطبه هشتم ذی‌الحجه به منزله یک سند بالادستی مفید برای ارائه آن مکتب، ارزش سرمایه‌گذاری و تأمل را دارد تا بر اساس این متن، اصول و مبانی این مکتب ترسیم شود؛ مکتبی که توانایی نهضت‌سازی خود را در تاریخ اثبات کرده است. همان‌طور که بیان شد، حرکت امام از ابتدا به بیانیه و مرامنامه‌ای نیازمند بود که آفاق فکری خویش را در آن ترسیم کند؛ این خطبه همان نقش را در نهضت عاشورا داراست و بر این مبنای ظرفیت مکتب‌سازی در آن دیده می‌شود.

درباره طرح کلی مفاهیم دینی، تلاش‌های ارزشمند و شایان تقدیری کار شده است که در جدول زیر به آنها اشاره می‌شود:

عنوان پژوهش	نویسندگان	منبع و محل انتشار	خلاصه‌ای از یافته‌ها	سال انتشار
مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه	خمینی، سید روح الله، ترجمه: مستوفی، حسین	تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه	این کتاب مشتمل بر دو مشکات است که در مشکات اول پیرامون اسرار خلافت محمديه و ولایت علویه در حضرت علمیه بحث می‌شود و در لابلای مباحث برخی از مسائل نبوت نیز مطرح می‌گردد. مطالب مذکور در این مشکات در ضمن پنجاه و شش مصباح بطور جداگانه مطرح گردیده است. در مشکات دوم پیرامون رموز خلافت و ولایت و نبوت در عالم غیب و معنا و ظاهر بحث می‌شود. این مشکات مشتمل بر سه مصباح است. در مصباح اول به بعضی از اسرار عالم امر و معنا در ضمن بیست و یک نور اشاره می‌شود و در مصباح دوم پیرامون آنچه که از سر خلافت و نبوت و ولایت در نشانه غیبی و انوار عقلی الهی منکشف می‌گردد در ضمن	۱۳۸۹



عنوان پژوهش	نویسندگان	منبع و محل انتشار	خلاصه‌ای از یافته‌ها	سال انتشار
			سیزده مطلع و چهار اصل و یک خاتمه بحث می‌شود. و در مصباح سوم پیرامون اسرار و رموز خلافت و نبوت و ولایت در نشانه ظاهری خلقی و راز بعث پیامبران و مقام و منزلت ایشان نسبت به پیامبر ما صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ضمن دوازده ومیض (برق و نور) بحث شده است و در پایان خاتمه‌ای در وصیت مؤلف به خوانندگان کتاب نسبت به کتمان اسرار عرفانی از نااهلان و تعلیم آنها به طالبان، بیان شده است.	
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	خامنه ای سید علی	تهران، مؤسسه ایمان جهادی صهبا	این کتاب حاصل برگزاری بیست و هشت جلسه متوالی در بیست و هشت روز ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ است. بعد از ممانعت ساواک از برگزاری جلسات معظّم‌له در مسجد کرامت مشهد، ایشان تصمیم گرفتند تا جلسات ماه مبارک	۱۳۹۲

عنوان پژوهش	نویسندگان	منبع و محل انتشار	خلاصه‌ای از یافته‌ها	سال انتشار
			رمضان را در مسجد امام حسن مجتبی بر گزار کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این جلسات سعی داشتند تا مبانی اندیشه اسلامی را با رویکردی اجتماعی، منسجم و هماهنگ و با محور قرار دادن قرآن کریم تبیین کنند. کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن مشتمل بر چهار فصل ایمان، توحید، نبوت و ولایت است. ایشان ایمان واقعی را ایمانی می‌دانند که آگاهانه و مسئولیت‌پذیر باشد. با این مقدمه، توحید را معرفی کرده و می‌گویند نمود آن در زندگی فرد موحد این است که زیر بار سلطه خدایان دروغین - اعم از ابلیس و طواغیت و هواهای نفسانی و... - نرود. آن‌گاه برخی از ویژگی‌های یک جامعه موحد را بیان می‌کنند. با همان تعریف از ایمان، پس از تعریف اصل	





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سال سی ام، شماره دوم (پیاپی ۱۱۸)، تابستان ۱۴۰۴

عنوان پژوهش	نویسندگان	منبع و محل انتشار	خلاصه‌ای از یافته‌ها	سال انتشار
			نبوت و معرفی دشمنان آن، به تعهداتی که متوجه مسلمانان معتقد به اصل نبوت است، اشاره می‌کنند. در آخر هم با توجه به تاریخ انبیا و آیات قرآن، روشن می‌کنند که فرجام کار انبیا و پیروان انبیا چیزی جز پیروزی نیست. و اما در مبحث ولایت، ابتدا به شرح مفهوم ولایت و ابعاد آن - پیوند درونی جامعه اسلامی، نحوه ارتباط با جوامع غیر مسلمان و پیوند بین امام و امت - اشاره دارند و در ادامه بعضی از زوایای آن را تبیین می‌کنند.	
مجموعه دوازده جلدی «الحیاه»	حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، ترجمه الحیاه، دائره المعارف اسلامی،	قم، دلیل ما	این کتاب مجموعه ایست دایرة المعارف گونه، منعکس کننده یک نظام فکری- عملی به دست آمده از متن اسلام، شامل پاسخ به بسیاری از مسائل زندگی متحول انسانی، بر پایه پی ریزی حاکمیتی درست. بنا بر این این کتاب تنها	۱۳۸۳

عنوان پژوهش	نویسندگان	منبع و محل انتشار	خلاصه‌ای از یافته‌ها	سال انتشار
	ترجمه احمد آرام		مجموعه‌ای از آیات و احادیث نیست، بلکه تنظیم جهان‌شناسی و ایدئولوژی اسلامی است با التزام دقیق به اینکه این جهان‌شناسی و ایدئولوژی به دست آمده از قرآن و حدیث و از فهم مجموعی و موضوعی آنها باشد. از این رو «الحیة» عرضه کننده یک نظام مکتبی و یک جریان پیوسته است نه فصل‌هایی پراکنده و موادی گزیده و فاقد ارتباط اندام وار، بلکه بابها و فصل‌های آن یکسر، یک پیکره واحد شناختی و فکری و عملی را ارائه می‌کند و یک جهان‌نگری فراگیر را در پیش دیده‌ها می‌نهد.	

این پژوهش‌ها مبتنی بر اندیشه و منطقی محکم و متقن است و در ایجاد یک اندیشه عمیق دینی مؤثرند؛ اما در پژوهش حاضر تلاش شده است که این منطق، منطبق بر گرمای لحن امام معصوم علیه السلام باشد و با سیری که ایشان بیان نموده‌اند، تبویب شکل گیرد.





درباره سخنان امام حسین (علیه السلام) نیز پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. شریفی و دیگران (۱۳۸۳)، محمدی ری‌شهری (۱۳۸۸) و نجمی (۱۳۸۶) که هر کدام سخنان امام حسین (علیه السلام) را بر اساس تبویبی عمدتاً تاریخی تنظیم کرده‌اند؛ اما برای بیان اصول اندیشه‌های امام حسین (علیه السلام) و تبیین طرح کلی اندیشه ایشان، اثری نظام‌مند به صورت‌بندی که این مقاله دارد، تدوین نشده است.

روش تحقیق این مقاله اجتهادی (تحلیلی - استنباطی) است. این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی - کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی - توصیفی) با روش اجتهادی بهره برده است. همچنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به پشتوانه بیانات امام حسین (علیه السلام) در خطبه هشتم ذی‌الحجه، طرح کلی اندیشه اسلامی را ارائه و تحلیل کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. طرح کلی اندیشه

منظور از طرح کلی اندیشه، مطالعه هماهنگ و پیوسته مسائل فکری اسلام به منزله اجزای یک مجموعه واحد، با هدف استنتاج یک ایدئولوژی کامل و متناسب با زندگی چند بُعدی انسان و استنباط اصول اساسی اسلام از مدارک و متون اصلی دین یعنی قرآن، به دور از سلیقه‌ها و نظرهای شخصی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، صص ۱-۳).

۱-۲. خطبه هشتم ذی‌الحجه

امام حسین (علیه السلام) پیش از خروج از مکه و حرکت به سوی عراق، خطبه‌ای در هشتم ذی‌الحجه خواندند و خروج خود را اعلام کردند (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، صص ۳۶۶-۳۶۷؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۳۸؛ بحرانی، ۱۳۸۲ش، صص ۲۱۶-۲۱۷). از نظر سند و ارزش تاریخی آن، در منابع اولیه تاریخی بیان نشده، و فقط در منابع متأخر، و در اساس بدون سند نقل شده است. قدیمی‌ترین مصدر این حدیث، حلوانی (قرن پنجم هجری) در نزهة الناظر است و به احتمال قوی

ابن نما حلی در مثير الاحزان (۶۴۵هـ) و ابن طاووس در لهوف (۶۶۴هـ) و اربلی در كشف الغمة (۶۹۳هـ) از وی گرفته‌اند. چنانچه گذشت، همه منابع، آن را مرسل نقل کرده‌اند و سند خاصی ندارد؛ گرچه همه عالمان، آن را تلقی به قبول کرده‌اند و طبعاً ممتاز به امتیاز «شهرت» روایی جابر ضعف سند» خواهد بود. افزون بر اینکه به دلیل مؤید بودن این مضامین در نصوص معتبر شرعی، اعم از آیات و روایات می‌توان آن را پذیرفت و به منزله سندی برای یک نظام فکری لحاظ کرد.

۳-۱. تجزیه و تحلیل

۱-۳-۱. عزم

«لَمَّا عَزَمَ عَلَى الْخُرُوجِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۶۷) تعبیری است که در وصف این خطبه بیان شده است. این مقاله در پی آن است که از کلمات حضرت علیه السلام نظام فکری استنباط کند. این برداشت راوی است که تعبیر به «عزم» کرده است؛ اما اگر به اصل حرکت امام و نیز فراز پایانی این خطبه یعنی «مَنْ كَانَ فِينَا بِإِذْلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيُزَحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاجِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ» توجه شود («بهوش باشید که هر کدام از شما آماده است تا در راه آرمان بلند ما قطره قطره خون قلبش را ایشار کند و جان خویش را در راه شهادت و دیدار خدا نثار نماید، بر اوست که بار سفر ببندد و همراهی ما را برگزیند؛ چرا که من به خواست خدا و در پرتو مهر و لطف او بامداد فردا حرکت خواهم کرد»)، نوعی عزم را در اندیشه امام علیه السلام می‌توان دید. این تعبیر از جهاتی شایان توجه است:

الف) دلایل خروج حضرت علیه السلام: یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام همایشی همچون جریان غدیر خم در منی تشکیل داد و بیش از هفتصد نفر را جمع کرد که بیشتر آنان از تابعان و عده‌ای نیز از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودند و در آن محفل، بسیاری از مناقب اهل بیت عصمت علیهم السلام را بازگو کردند و آنان اعتراف کردند، و برخی از مفاسد و معایب امویان را بیان کرد و در صدر مقال نافع خود فرمود: «فَأِنِّي أَخَافُ أَنْ





يُنْدِرِسْ هَذَا الْحَقُّ وَ يَذْهَبُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۶) «من می ترسم این دین الهی که حق است، مندرس و فرسوده شود».

ب) عدم اثرپذیری حضرت ﷺ با وجود مشورت‌های بی‌مورد، نشان عزم حقیقی: دعوت قرآن به مشورت در امور است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران، ۱۵۹) «و در کارها، با آنان مشورت کن»؛ اما زمانی که کسی به تصمیم رسید، دیگر نوبت عزم است: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹) «اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد». امام حسین ﷺ در ماجرای عاشورا از فراز «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» گذشته و وارد «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» شده است؛ از این رو از مشورت‌های بی‌مورد برخی تأثیر نمی‌گیرد. امام ﷺ در ادامه، درباره این عزم بیشتر توضیح می‌فرمایند.

۴-۱. توحید زیربنای نظام فکری سیدالشهدا ﷺ

ضرب آهنگ آغاز خطبه با این ادبیات توحیدی است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱). معارف دین الهی از چنان گستردگی و جامعیتی برخوردار است که همه ابعاد مختلف انسان را در عرصه‌های فردی و اجتماعی در بر می‌گیرد. مرکزیت توحید در بین معارف دین به گونه‌ای است که همه فروع دین را می‌توان با معیار آن معتبر دانست: «هر جایی شما یک حکمی و یک قانونی و یک دستوری را به نام دین مشاهده کردید که در آن توحید لنگ می‌زند، ضد توحید در آن وجود دارد و توحید در آن نیست. بدانید که این از اسلام نیست؛ چون توحید مثل روحی در کالبد تمام مقررات اسلامی هست. یک دانه حکم را در اسلام، شما نمی‌توانید پیدا کنید که رنگی و نشانی از توحید در آن نباشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴).

حرکت عاشورا با این خطبه توحیدی آغاز می‌شود و با این مناجات توحیدی در واپسین لحظات حیات امام ﷺ به اوج خود می‌رسد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ، شَدِيدُ الْمَحَالِ، غَنِيٌّ عَنِ الْخَلَائِقِ، غَرِيضُ الْكِبَرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ...» (طوسی،

۱۴۱۱ ق، ص ۸۲۷؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۹۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۰۴؛ کفعمی، ۱۴۰۵ ق، ص ۷۲۰؛ کفعمی، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱، ص ۳۴۸؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۷۰). این آخرین دعاها را امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا بود و راز آن همه استقامت و حماسه آفرینی پشت گرمی به خداوند بود. در کربها و بلاهای زندگی پناه بردن به خدا چاره ساز است. لحظه لحظه حضور امام (علیه السلام) در قتلگاه هم سرشار از توحید است. از آن هنگام که از ناحیه راست با صورت بر زمین خورد و فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»، سپس برخاست (ابن طاووس، ۱۳۴۸، صص ۱۲۵-۱۲۶) تا آن زمانی که تیری بر گودی گلویش نشست که به زمین افتاد و برخاست و نشست و آن تیر را از گلویش بیرون آورد و دو کف دستش را زیر گلویش نگه می داشت و وقتی که دستش پر از خون می شد، آن را به سر و صورت می مالید و می فرمود: «هَكَذَا أَلْقَى اللَّهُ مُحَضَّباً بِدُمِي مَعْضُوباً عَلَيَّ حَقِّي» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵، ص ۵۵) تا «رِضاً بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيماً لِأَمْرِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (مقرم، ۱۳۹۹ ق، ص ۲۸۳)، هر لحظه از این ماجرای توحیدی انسان را موحد می کند. بهترین راه برای خدایی شدن، کربلا و انس با معارف آن است. در گودال قتلگاه هم نجوای الهی امام حسین (علیه السلام) انسان را به خدا می رساند. سالار شهیدان (علیه السلام) این امر را در متن نهضت تاریخ ساز خود به خوبی تعبیه کرد؛ چنانکه در همه سخنرانی های آن حضرت (علیه السلام) سخن از «توحید» خداست. ایشان در مهم ترین سخنرانی خود در مکه فرمودند که شرط شرکت در نهضت کربلا «خدایمینی» است. «وطن» جایی است که انسان در آنجا متولد می شود و از آنجا بیرون می رود و دوباره به آنجا بازمی گردد. وطن هیچ کس آب و خاک نیست، بلکه جایی است که از آنجا آمده است. اگر انسان از دیار خدا آمده است «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، وطن او آنجاست و چنانچه کسی شوق وطن دارد، توطین نفس می کند و سالار شهیدان (علیه السلام) در مکه همین مطلب را بیان کرد و در عاشورا نیز یادآور شد. ایشان در مکه فرمودند: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطَنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»؛ یعنی هر که خود را در وطن «لقاء الله» جا دهد، می تواند عضو ارتش من باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۲). این توحید، توحیدی منفعل نیست، بلکه در اوج سختی ها، یاری گر امام (علیه السلام) است. در مصیبت حضرت علی اصغر (علیه السلام)





سخن از خداست: «هُوَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِثَنِي اللَّهُ» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۴۶) «آنچه اندوه مصیبت را برایم آسان کند، این است که خداوند می بیند». در سختی مصیبت علی اکبر علیه السلام خطاب با اوست: «اللَّهُمَّ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ يُشَبِّهُ رَسُولَ اللَّهِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا» (ابن نماحلی، ۱۴۰۶ق، ص ۶۸) «خدایا! گواه باش که اینک جوانی به سوی آنان روان است که در سیما و اخلاق و رفتار و سخن و گفتار به پیامبرت می ماند». سند بالادستی آن را نیز امام علیه السلام در دعای عرفه به تفصیل بیان فرموده اند که همه وجودش را به شهادت این توحید فراخواند: «وَأَنَا أَشْهَدُ [أَشْهَدُكَ] يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۴۱؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵۲) «من گواهی می دهم برای خدا از خلوص و حقیقت ایمانم به عهد قلبم که از فرایض مقام یقین من است و توحیدی خالص و پاک از شائبه». این ترجمان عملی «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ مَسْكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲) است: «بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.»

۱-۴-۱. توحید زیربنای همه طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار عملی

«[...] اسلام دین توحید است، و تمامی فروع آن به همان اصل واحد برمی گردد، و آن اصل واحد است که در تمامی فروع دین منتشر شده است [...]» (طباطبایی، ۱۳۸۷ «الف»، ص ۱۵۵). «در آیین اسلام ارتباط و اتصال میان اصول و فروع به نحوی است که هر حکم فرعی از هر باب باشد اگر تجزیه و تحلیل شود، به همان کلمه توحید تنها برمی گردد و کلمه توحید نیز با ترکیب همان احکام و مقررات فرعی حاصل می شود [...]» (طباطبایی، ۱۳۸۷ «ب»، ص ۱۵۵). «در جهان بینی (بینش فلسفی و زیربنایی) اسلام، همه پدیده های جهان، وابسته و آفریده و بنده یک قدرت برترند. این قدرت برتر، خداست (الله) و به همه خصیلت های اساسی نیک، همچون علم، قدرت، اراده، حیات و ... آراسته است. از اعماق ذره ناچیز تا اوج افلاک و کهکشان ها و جهان های ناشناخته، یک سره ساخته و پرداخته و تحت اختیار اوست. موجودات جهان - انسان و دیگرها - بندگان مقهور

اویند و در عبودیت او، همگان شریک و همطرازند. و هیچ چیز زیر عنوان فرزندی، همسری، هم‌شأنی و ... از دایره عبودیت خدا بیرون نیست. بندگان همه چیز خود را - فکر و هوش و قدرت تصمیم و امکانات مادی و ... - از او دارند و او سرشته‌دار پیدایش و ادامه حیات آنهاست: این بینش، زیربنا و قاعده اساسی تمام طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی‌ساز (ایدئولوژی) در اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

۲-۴-۱. پایه‌های عمده تفکر انقلابی یک نهضت اسلامی

«توحید یکی از مبانی اصولی نهضت اسلامی است که در نگاه عامیانه عمومی، آن را به معنای «خدا یک است و دو نیست» معنا کرده‌اند. البته معلوم است که خدا یک است و دو نیست؛ اما توحید فقط این نیست، بلکه به معنای یگانگی قدرت حاکم بر زندگی انسان است؛ یعنی نفی همه قدرت‌هایی که بر انسان‌ها تحکم می‌کنند؛ یعنی نفی سلطه و هر حاکمیت ظالمانه؛ نفی همه حکومت‌های کودتایی و موروثنی؛ نفی حکومت همه کسانی که می‌خواهند بر مجموعه‌های انسانی با خود کامگی و تکیه بر احساسات و خواست و منافع شخصی حکومت کنند، خواه این حکومت، حکومت سیاسیون باشد، خواه حکومت اقتصاديون. معنای توحید که یکی از پایه‌های اصلی این نهضت عظیم است، این می‌باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۲/۰۳/۱۸).

۳-۴-۱. قلمروهای اعتقاد به توحید

در امتداد این خطبه، قلمروهای مختلف توحید را می‌توان دید؛ چنانکه در ادامه، نگرش‌ها و موضع‌گیری‌هایی از امام علیه السلام را بر این اساس می‌توان دید. توحید یک مبانی فلسفی و یک اندیشه است؛ اما اندیشه و ذهنیتی نیست که امتداد سیاسی و اجتماعی نداشته باشد. «[...] این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لا إله إلا الله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی، منحصر و زندانی نمی‌ماند؛ وارد جامعه می‌شود و تکلیف حاکم را معین می‌کند؛ تکلیف محکوم را معین می‌کند؛ تکلیف مردم را معین می‌کند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از فضلاء حوزه علمیه قم (نخبگان کلام و فلسفه)، ۱۳۸۲/ ۱۰/۲۹).





بر اساس همین اصل می‌توان حرکت کرد و به پشتوانه آن انقلاب نمود: «انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند [...] در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی، در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود، همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است» (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۸۱). در کربلا و در جریان فرازها و نشیب‌هایش این حقیقت به‌خوبی فهمیده می‌شود که این باور تنها یک نظریه فلسفی و فکری نیست، بلکه یک روش زندگی برای انسان‌هاست؛ خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرت‌های گوناگون را از زندگی بشر کوتاه نمودن است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در عید مبعث، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲).

۱-۵. نبوت و رسالت

پس از مفهوم محوری توحید، بحث نبوت و رسالت در این خطبه بیان شده است و «و صَلَّی اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ سَلَّمَ» نشان از امتداد توحید در جریان نبوت دارد. از ابتدای حرکت امام حسین (علیه السلام) و تعبیر «أَسِيرٌ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» در وصیت‌نامه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۲۹) تا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ» در قتلگاه، تبیین و تأکیدی بر راه و روشی است که حرکت امام بر آن استوار است و برای تحققش هر هزینه‌ای که نیاز باشد حتی شهادت خواهد پرداخت؛ برای همین حتی در آخرین لحظه هم سخن از «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ» است؛ سخن از دین و آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

عمر سعد شعار مقدسی را مطرح کرد: «يَا خَيْلَ اللَّهِ اِزْكِي وَ بِالْجَنَّةِ أُبْشِرِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۹۱) «ای لشکر خدا سوار شوید، بشارت بهشت باد شما را!». این شعار پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز جنگ‌ها بود. عمر سعد برای آغاز حمله همان شعاری را به کار برد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شروع جنگ به کار می‌گرفت. این شیوه برای فریب ساده‌لوحان



دستاویزی مناسب بود. در جنگ جمل وقتی عایشه مشتی خاک به دست گرفت و به سوی سپاه امیرمؤمنان علی (ع) پرتاب کرد و به شیوه پیامبر (ص) و با استفاده از آیه قرآن گفت: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال، ۱۷) «این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداخت؛ بلکه خدا انداخت»، بلافاصله امام علی (ع) فرمود: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ رَمَى» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۷). عمر سعد، هم از سرمایه پدر و اعتبار او که فرمانده سپاه اسلام بود و نخستین تیر به سوی سپاه مخالف را او پرت کرده بود، استفاده کرد و هم از اعتبار پیامبر (ص) استفاده از اعتبار بزرگان، محل فریب افراد ظاهریین و ساده اندیش است؛ اما شعار پیامبر (ص) را تکرار کردن کجا و بر مدار و محور پیامبر (ص) و در مسیر او بودن کجا؟! شاید یکی از اسرار خطبه‌ها و نامه‌های امام (ع) و توجه ویژه بر سیره پیامبر (ص) که از همان ابتدای راه در سفارش نامه و وصیتی به محمد حنفیه بیان می‌فرمایند، همین باشد: «[...] من از سر شادی و سرمستی و تباهکاری و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای خواستار شدن اصلاح در امت جدم به پا خاستم، و اکنون می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم، و بر روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب راه بروم [...]».

۱-۶. معاد

بعد از بیان اندیشه توحیدی و امتداد آن در مسیر نبوت و رسالت، به عرصه‌ای دیگر از اندیشه کلامی اشاره می‌شود و آن بحث معاد با یک تصویرسازی ویژه است. در خطبه این گونه آمده است: «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى حَيْدِ الْفَتَاهِ» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱) «مرگ و هجرت از این سرای فناپذیر به سرای ماندگار برای فرزندان انسان بسان گردنبندی است که بر گردن دختران جوان آویخته و آراسته است». این تعبیر در ادامه خطبه به شیوه‌هایی دیگر دنبال می‌شود: «وَ خَيْرٌ لِي مَضْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي يَتَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَابِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبَةً سَعْبًا» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱) «و برای من شهادتگاهی برگزیده شده است



که سرانجام در آنجا فرود آمده و آن را دیدار می‌کنم و در آنجاست که سر بر بستر شهادت می‌گذارم؛ تو گویی من، هم اکنون پاره‌های پیکر خویش را می‌نگرم که درندگان و گرگان دشت «نواویس» و «کربلا» از پیکرم جدا ساخته و شکمهای گرسنه و انبادهای تهی و خشکیده خود را آکنده می‌سازند.»

۱-۶-۱. علت سخن‌گفتن از مرگ و معاد در اوایل خطبه

کجای مرگ زیباست؟ چرا در این خطبه، بی‌مقدمه سخن از مرگ مطرح می‌شود؟ پاسخ اجمالی آن است که انسان‌ها ترس‌های خیالی از مرگ دارند که اگر کنار برود، افق‌های زیبای مرگ را هم خواهند دید؛ چنانکه امام حسین علیه السلام به آن توجه داشت. برای همین در این خطبه از آن، با ادبیاتی صادقانه و مبتنی بر واقعیت‌ها سخن فرموده است. حقیقت آن است که انسان به همه آرزوهایش نخواهد رسید. این ادبیات سطح توقع انسان را تنظیم می‌کند و توقعات نابجای انسان را تعدیل و کنترل می‌کند؛ از این‌رو در این قسمت از خطبه، سخن از آخرین مرحله حیات دنیا یعنی مرگ است.

۱-۶-۲. هدف امام: شهادت یا حکومت؟

برای امام حسین علیه السلام شهادت و حکومت تفاوتی نداشت. امام علیه السلام هدفی دیگر داشت که به آن اشاره خواهد شد. امام علیه السلام در این خطبه به روشنی از انتهای این مسیر و از گودال قتلگاهش تصویرسازی می‌کند. در بین راه هم در دیدارها، جوانب مختلف این اتفاق را بررسی و تحلیل می‌کنند؛ برای نمونه در منزل عذیب که چهار نفر به حضرت علیه السلام ملحق شدند، فرمودند: «أما والله إني لأرجو أن يكون خيرا ما أراد الله بنا قتلنا أم ظفرنا» (ابو مخنف کوفی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۴)؛ یعنی فرقی نمی‌کند، چه به پیروزی برسند، چه کشته شوند، تکلیف تکلیف است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶).

۱-۶-۳. تصویرسازی‌های دقیق و ژرف از مرگ در ارائه جهان‌بینی

تصویرسازی از مرگ در کلام معصومین علیهم السلام، به‌ویژه سیدالشهدا علیه السلام جایگاه

مخصوصی در فهم بهتر این مفهوم برجسته کلامی دارد:

الف) مرگ مثل گردنبد: «خَطَّ الْمَوْتُ عَلَى وَلَدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ»

(ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱).

ب) مرگ مثل پل: «صَبْرًا بَنَى الْكَرَامَ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا فَنَطَرَهُ تَغْبِيرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ

الضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۹).

ج) دنیا مثل زندان: «فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا

كَمْ مِنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ - إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هَوْلَاءُ إِلَى جَنَاتِهِمْ وَجِسْرٌ هَوْلَاءُ إِلَى

جَحِيمِهِمْ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۹).

د) مرگ مثل آرامش به مادر: «يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَنِيِّ دُونِي اسْتِنَاسَ الطِّفْلِ بِلَبَنِ أُمِّهِ»

(شریفی و دیگران، ۱۳۸۳، صص ۴۰۶-۴۰۸).

ه) دنیا مثل رطوبت ته کاسه: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَتَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَ مَعْرُوفَهَا فَلَمْ

يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كَصُبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ حَسْبُ عَيْشٍ كَالْمَوْعَى الْوَيْلِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق،

ص ۲۴۶).

البته تعبیروایی مشابه در بیان معصومان دیگر نیز می توان یافت؛ برای نمونه در بیان

امام علی (علیه السلام) آمده است: «وَ إِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَى مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْصُمُهَا مَا

لِعَلَى وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَى وَ لَدَهُ لَا تَبْقَى نَعُودٌ بِاللهِ مِنْ شَبَابِ الْعَقْلِ وَ فُتْحِ الرِّزْلِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ»

(نهج البلاغه، خطبه ۴۴)، «وَ اللهُ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَى فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ فِي يَدٍ مَجْدُومٍ»

(نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸)، «وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطِهِ عَنَزٍ» (نهج البلاغه،

خطبه ۳). در این جهان بینی، مرگ هم زیباست، و زیور انسان است.

در سخنان امیر مؤمنان (علیه السلام) آمده است: اگر شما بدانید بعد از مرگ چه خبر

است، هرگز کنار من جمع نمی شوید و مشتاقانه به سوی مرگ حرکت می کنید،

«والله لا ین أبی طالب آنس بالموت من الطفل بئدی أمه بل اندمجت علی مکنون

علم لَوُبْحَتْ به لا اضطربتم اضطراب الارشیه فی الطوی البعیده» (نهج البلاغه، خطبه ۵،

بند ۳-۴)؛ ولی نمی دانید برای مردان خدا بعد از مردن چه چیزهایی آماده شده





است. سالار شهیدان (علیه السلام) نیز می‌فرماید مرگ زیور انسان است؛ انسان که از به زیور آراسته شدن نمی‌هراسد [...]؛ یعنی من با دیگران فرق دارم: اولاً مرگ برای همه در حکم گلوبند جوان است که او را آرایش می‌دهد؛ ثانیاً هرکسی اگر با اجدادش محشور شود، من با علی و پیامبر و سلسله انبیای ابراهیمی محشور می‌شوم و همان‌گونه که یعقوب مشتاق دیدار یوسف بود، من هم مشتاق دیدن جدم هستم. پس از مرگ هراسی ندارم. در نتیجه می‌شوم ربانی این امت؛ چون الآن جز با خون با هیچ عامل دیگری نمی‌توان با این تهاجم فرهنگی مبارزه کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ «الف»، ص ۱۳۰).

حضرت (علیه السلام) در اینجا حرف‌های آخر را در همین ابتدای خطبه این‌گونه می‌زند: «لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ حُطَّ بِالْقَلَمِ رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَضْبِرُ عَلَى بَلَاءِهِ» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۱) «من بر این باورم که هر آنچه و هر رویدادی برای آن روز با قلم تدبیر و تقدیر حکیمانه نوشته شده است ناگزیر تحقق خواهد یافت و از آن گریز و گریز گاهی نیست. خشنودی خدای پر مهر و فرزانه خواست و خشنودی ما خاندان وحی و رسالت است؛ و بر آنچه او خشنود گردد، ما نیز خشنود خواهیم شد، ما بر آزمون و امتحان او شکیبایی می‌ورزیم». خطبه هشتم ذی‌الحجه ترجمان دیگری از «رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (مقرم، ۱۳۹۹ق، ص ۲۸۳) در قتلگاه روز عاشورا است و این است که این خطبه را یک سند بالادستی کرده است که تا انتهای کربلا سایه افکننده است. امام (علیه السلام) در این خطبه، به تبیین کلانی از همه اتفاقات مسیر، از جمله گودال قتلگاهش می‌پردازد.

۷-۱. ولایت: رِضَانًا، فِينَا، مَعَنَا

نکته مهم این خطبه و درک تازه‌ای که از مفاهیم دینی در ذهن ایجاد می‌کند، آمیختگی مفهوم ولایت در متن خطبه و تحلیل‌های امام است که در بخش‌های مختلف آن با تعبیرهای «رِضَانًا، فِينَا، مَعَنَا و ...» مشهود است:

«لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصَبُوا عَلَى بَلَائِهِ وَ يُوفِّيْنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ [...]»

«لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لِحِمَّتِهِ وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدُسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ تَنْجُزُ لَهُمْ وَغْدُهُ»

«مَنْ كَانَ فِيْنَا بِإِذْلٍ مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ [...]»

«[...]» فَلْيَزَحِلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ

تاریخ کربلا نشان داد نظام فکری ناصحیح، قطعه‌قطعه کردن ولی‌الله را در پی دارد. توحید و نبوت و معاد باید ختم به ولایت شود؛ وگرنه حجت خدا به مقتل خواهد رفت. سقوط به درجه حیوانیت با نظام فکری ناصحیحی بود که هرچند در آن توحید هم وجود داشت، چون بدون همراهی مفاهیمی مانند نبوت و ولایت بود، به عاقبت سوئی انجامید.

نکته مهم و کمتر گفته شده اینکه برخلاف باور اولیه این گونه نبود که در مقابل سپاه امام (علیه السلام)، اثری از ذکر نباشد؛ برخی برای فریب دادن و ظاهرسازی، خود را اهل ذکر نشان دادند تا چهره موجهی پیدا کنند.

امویان، نخست از عالم‌نمایی درباری به نام «شریح قاضی» خواستند که در ازای دویست دینار فتوا دهد که کشتن حسین بن علی (علیه السلام) واجب است. او نیز چنین فتوا داد: أَلَا إِنَّ حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَدْ خَرَجَ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِدْمَهُ هَدْرًا. سپس عالم‌نمازاده‌ای به نام «عمر سعد» را به فرماندهی سپاهیان خود برگزیدند. او در کربلا، نمازهای پنج‌نوبت را با جماعت برپا می‌کرد. فتوای عالم‌نمای دینی از یک سو و فرماندهی چهره‌ای مذهبی از سوی دیگر، موجب شد مردم غافل آن روزگار به بهانه خشنودی خدا و رفتن به بهشت، به جنگ با امام حسین (علیه السلام) برخیزند [...] (جوادی آملی، ۱۳۸۸ «ب»، ص ۱۸۶).

و برخی به دلیل فریب خوردن از ظاهرسازان، به قصد قربت به کربلا آمدند. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند که عده‌ای برای نزدیک شدن به خدا، امام حسین (علیه السلام) را به شهادت رساندند: «كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲،





ص ۲۷۵) «همه می خواستند با ریختن خون حضرت به خدا نزدیک شوند» و همه گمان مسلمانانی داشتند: «از دَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۷۵) «سی هزار نفر علیه او جمع شدند که همه گمان می کردند از این امت هستند»؛ چنانکه عمر سعد در صبح روز عاشورا با شعارِ «يَا خَيْلَ اللَّهِ اِرْكَبِي وَ بِالْجَنَّةِ أُبَشِّرِي؛ ای لشکر خدا، سوار شوید و به بهشت بشارتتان باد». او این جمعیت انبوه نادان و بی خرد را به وادی ظلمت و ضلالت سوق داد و در زیارت عاشورا این گونه از آنها اظهار تنفر شده است: «[...] وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَقَبَّضَتْ وَ تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ» (جواد آملی، ۱۳۸۸، ج «ج»، ص ۱۲۸)؛ به عبارتی، هم مغرضان فریب کار و ظاهر ساز و هم جاهلان فریب خورده هردو اهل ذکر بودند؛ اما نکته آن بود که توحید ناب، توحید از طریق ولایت معصوم است و توحید منهای ولایت، عاقبت به خیر نیست. شعار توحید از هر دو طرف بلند بود، هردو نماز جماعت می خواندند، حتی ابن زیاد هم از خدا و قرآن می گوید (نک: مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۷۲)؛ اما توحید با ولایت شرط است و این مطلبی است که در اندیشه کلامی شیعه برجسته است: «... وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودِي بِالْوَلَايَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸). «به هیچ چیز مانند ولایت تأکید نشده است». هنگام شهادت امام حسین (علیه السلام)، شمر تکبیر گفت و سپاه عمر سعد هم سه بار تکبیر گفتند! شاعر در این باب گفته است: «قَتَلُوكَ عَظْشَانًا وَ لَمْ يَتَرَقَّبُوا / فِي قَتْلِكَ التَّأْوِيلَ وَ التَّنْزِيلَ / وَ يُكَبِّرُونَ بِأَنْ قُتِلَتْ وَ إِنَّمَا / قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ وَ التَّهْلِيلَ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۷؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۹). «با کشتن تو تکبیر گفتند در حالی که با قتل تو تکبیر و تهلیل (لا اله الا الله) را کشتند.» هر کس تلاش کرد با خودش افتخاری از کربلا ببرد. وقتی به کوفه رسیدند، هر کس هر چه از کربلا آورده بود، بالای در خانه اش آویزان کرد و به آن افتخار می کرد. ابی الفتح محمد بن علی کراجکی در رساله ای به نام التعجب، خانواده هایی را در شام نام می برد که به سبب سرقت در کربلا، نام های ویژه ای یافتند. گروهی «بنو السراویل» بودند و آنان کسانی بودند که لباس های امام حسین (علیه السلام) را به سرقت برده بودند. گروهی «بنو السرج» بودند و آنان فرزندان کسانی بودند که با اسب بر پیکر امام (علیه السلام) تاخته بودند و نعل اسب خود را بر سر در خانه خود

می‌زدند و به آن افتخار می‌کردند. «بنواسنان» فرزندان کسانی بودند که حامل نیزه‌ای بودند که سر امام علیه السلام بر آن افراشته شده بود. «بنوالمکبری» فرزندان کسانی بودند که پشت سر نیزه‌دار سر امام حسین علیه السلام، تکبیرگویان حرکت کرده بودند (کراجکی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۷). آنان که نتوانسته بودند چیزی از کربلا بیاورند، بالای در خانه‌شان نوشته بودند بنی‌المکبری؛ یعنی من تکبیر می‌گفتم.

نتیجه‌گیری

۱. امام حسین علیه السلام در آخرین سخنرانی خود در مکه، مبانی اصلی دین و حرکت خویش را بیان می‌کنند که می‌توان بر اساس آن، تحلیلی از طرح کلی اندیشه اسلامی ارائه کرد. ارائه دین به صورت منسجم و نظام‌مند به گونه‌ای که انواع گزاره‌های دینی در ارتباط معناداری قرار گیرند و روح واحدی را توصیف کنند، از نیازهای جدی امروز است. این طرح کلی اگر از یک متن معصومانه گرفته شود، اطمینان‌آورتر است.

۲. بر این اساس باید نوع مواجهه خواننده با کلمات معصومین علیهم السلام، یک مواجهه فعال و مسئله‌محور باشد. مبتنی بر این خطبه، درکی منضبط، فعال و زنده از مفاهیم مهمی، مانند توحید و نبوت و معاد محقق می‌شود و مخاطب، طرح و نقشه‌ای از یک اندیشه کلامی متحدالاجزاء و متماسک از مفاهیم بلند دینی خواهد گرفت.

۳. ضرب‌آهنگ آغاز خطبه با ادبیات توحیدی است. معارف دین الهی از چنان گستردگی و جامعیتی برخوردار است که همه ابعاد مختلف انسان را در عرصه‌های فردی و اجتماعی در بر می‌گیرد. حرکت عاشورا با این خطبه توحیدی آغاز می‌شود و با مناجاتی توحیدی در واپسین لحظات حیات امام علیه السلام به اوج خود می‌رسد. در همه سخنرانی‌های آن حضرت علیه السلام، سخن از توحید خداست. ایشان در مهم‌ترین سخنرانی خود در مکه فرمودند که شرط شرکت در نهضت کربلا، خدامیه‌نی است.





۴. توحید بیان شده در ادبیات امام، توحیدی منفعل نیست، بلکه در اوج سختی‌ها، یاری‌گر امام علیه السلام است. در سختی مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام و علی اکبر علیه السلام سخن از خداست و اینها نمودی از این توحید در روز عاشورا است. سند بالادستی آن را نیز امام علیه السلام در دعای عرفه به تفصیل بیان فرمودند که همه وجودش را به شهادت این توحید فراخواند. این ترجمان عملی «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲) است.

۵. بعد از مفهوم محوری توحید، بحث نبوت و رسالت در این خطبه بیان شده است که نشان‌دهنده امتداد توحید در جریان نبوت است. بعد از بیان اندیشه توحیدی و امتداد آن در مسیر نبوت و رسالت، به عرصه دیگری از اندیشه کلامی اشاره می‌شود و آن بحث معاد با یک تصویرسازی ویژه است.

۶. نکته مهم این خطبه و درک تازه‌ای که از مفاهیم دینی در ذهن ایجاد می‌کند، آمیختگی مفهوم ولایت در متن خطبه و تحلیل‌های امام است که در بخش‌های مختلف آن با تعبیرهای «رَضَانَا، فِينَا، مَعَنَا و...» مشهود است؛ زیرا تاریخ کربلا نشان داد نظام فکری ناصحیح، قطعه‌قطعه کردن ولی الله را در پی دارد. توحید و نبوت و معاد باید ختم به ولایت شود؛ وگرنه حجت خدا به مقتل خواهد رفت. توحید ناب، توحید از طریق ولایت معصوم است و توحید منهای ولایت، عاقبت به خیر نیست. توحید با ولایت شرط است و این مطلبی است که در اندیشه کلامی شیعه برجسته است.

۷. فارغ از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدای خطبه، تأکیدهای برجسته‌ای بر مفاهیم نبوت، معاد و ولایت در این خطبه است که در عین فشردگی خطبه، نشان از به هم پیوستگی این مفاهیم والا دارد و از این جهت، این خطبه را ممتاز کرده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه (ج ۱) (محقق و مصحح: محمد ابوالفضل ابراهيم). قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

ابن بابويه، محمد بن علي. (۱۳۷۶ ش). امالي. تهران: كتابچي.

ابن بابويه، محمد بن علي. (۱۴۰۳ ق). معاني الأخبار. (محقق و مصحح: غفاري، علي اكبر). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

ابن شعبه حراني، حسن بن علي. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. (محقق و مصحح: غفاري، علي اكبر). قم: جامعه مدرسين.

ابن شهر آشوب مازندراني. (۱۳۷۹ ق). محمد بن علي. مناقب آل ابی طالب (ج ۴). قم: علامه. ابن طاووس، علي بن موسى. (۱۴۰۹ ق). إقبال الأعمال (ط - القديمة) (ج ۳ و ۴). تهران: دار الكتب الاسلاميه.

ابن طاووس، علي بن موسى. (۱۳۴۸ ش). اللهوف على قتلى الطفوف. (مترجم فهری زنجانی، احمد). تهران: جهان.

ابن نما حلي، جعفر بن محمد. (۱۴۰۶ ق). مثير الأحران. قم: مدرسه امام مهدي.

ابن مشهدي، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ ق). المزار الكبير (لابن المشهدي). (محقق و مصحح: قیومی اصفهانی، جواد). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

ابو مخنف كوفي، لوط بن يحيى. (۱۴۱۷ ق). وقعة الطف. (محقق و مصحح: يوسفی غروی، محمد هادی). قم: جامعه مدرسين.

اربلي، علي بن عيسى. (۱۳۸۱ ق). كشف الغمة في معرفة الأئمة (ج ۲). (محقق و مصحح: رسولی محلاتي، هاشم). تبريز: بني هاشمي.





بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله. (۱۳۸۲ ش). عوالم العلوم و المعارف والأحوال - الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام). (محقق و مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر). قم: مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ش، الف). اسلام و روابط بین الملل. قم: نشر اسراء.
 جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴ ش). بنیان مرصوص امام خمینی. (محقق: شاهجوئی، محمد امین). قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ش، ب). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی (محقق: بندعلی، سعید). قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، مرتضی. (۱۳۸۸ ش). فلسفه زیارت. قم: نشر اسراء.
 حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی. (۱۳۸۳ ش). الحیاء، دایره المعارف اسلامی. (مترجم: آرام، احمد). قم: دلیل ما.

حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر. (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. (محقق و مصحح: مدرسة الامام المهدي (عليه السلام)). قم: مدرسة الامام المهدي (عليه السلام).

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۸ ش). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خامنه‌ای سید علی. (۱۳۹۲ ش). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: مؤسسه ايمان جهادی صها.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۰ ش). انسان ۲۵۰ ساله، بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین، آیت الله سید علی خامنه‌ای. تهران: مؤسسه ايمان جهادی (مرکز صها).

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۲/۰۳/۱۸

<https://B2n.ir/tn5176>

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از فضلاء حوزه علمیه قم (نخبگان کلام و فلسفه)

<https://B2n.ir/ju1727> ۱۳۸۲/ ۱۰/۲۹

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در عید مبعث، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲

<https://B2n.ir/ym8529>

خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۰ ش). صحیفه امام خمینی (ج ۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹ ش). مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية. (مترجم: مستوفی، حسین) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی مؤسسه چاپ و نشر عروج.

شریفی، محمود و مؤیدی، علی. (۱۳۸۳ ش). فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام. ترجمه همراه متن عربی موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام. (مترجم: مؤیدی، علی). قم: نشر معروف.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۷ ش، الف). تعالیم اسلام. (به کوشش خسروشاهی سید هادی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۷ ش، ب). شیعه در اسلام. (به کوشش خسروشاهی سید هادی). قم: مؤسسه بوستان کتاب.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) (ج ۲). (محقق و مصحح: خراسان، محمدباقر). مشهد: نشر مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ ق). إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحديثه) (ج ۱). (محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت). قم: آل البيت.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ ق). مصباح المتهجد و سلاح المتعبد. بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.

کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۲۱ ق). التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة. قم: دارالغدیر. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۱۸ ق). البلد الأمين و الدرع الحصین. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۰۵ ق). المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقية). قم: دار الرضی (زاهدی).





- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ ق). الکافی (ج ۲). (محقق و مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار (ج ۲۲، ۴۴ و ۴۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمّدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸ ش). دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن (ج ۶)، حدیث و تاریخ، با همکاری محمود طباطبایی نژاد، روح الله سید طباطبایی. (مترجم: عبدالهادی مسعودی، مهدی مهریزی) قم: دارالحدیث.
- مصباح، مجتبی، عبودیت، عبدالرسول، الهی راد، صفدر، شبان نیا، قاسم. (۱۳۹۹ ش). سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی (طرح ولایت). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق، الف). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. (محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام). قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق، ب). الجمل و النصرة لسید العترة فی حرب البصرة. (محقق و مصحح: میرشریفی، علی). قم: کنگره شیخ مفید.
- مقرم، سید عبدالرزاق. (۱۳۹۹ ق). مقتل الحسین. بیروت: دارالکتب الاسلامی.
- موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۴ ش). الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
- نجمی، محمدصادق. (۱۳۸۶ ش). سخنان حسین بن علی علیه السلام. قم: بوستان کتاب.

References

* Holy Quran

** Nahj al-Balaghah

Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibat Allah. (1404 AH). *Sharh Nahj al-Balaghah (Commentary on Nahj al-Balaghah)* (Vol. 1) (Editor & Corrector: Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim). Qom: Maktabat Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi. [In Arabic]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1376 SH). *Amali (Dictations)*. Tehran: Ketabchi. [In Arabic]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1403 AH). *Meanings of Narrations* (Editor & Corrector: Ghaffari, Ali Akbar). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]

Ibn Shu'bah Harrani, Hasan ibn Ali. (1404 AH). *Masterpieces of Intellect* (Editor & Corrector: Ghaffari, Ali Akbar). Qom: Jami'at al-Mudarrisin. [In Arabic]

Ibn Shahrashub Mazandarani, Muhammad ibn Ali. (1379 AH). *Virtues of the Family of Abu Talib* (Vol. 4). Qom: Allamah. [In Arabic]

Ibn Tawus, Ali ibn Musa. (1409 AH). *Engagement of Deeds* (old edition) (Vols. 1 & 3). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

Ibn Tawus, Ali ibn Musa. (1348 SH). *The Sigh for the Martyrs of Karbala* (Translator: Fahri Zanjani, Ahmad). Tehran: Jahan. [In Arabic]

Ibn Nama Helli, Ja'far ibn Muhammad. (1406 AH). *Muthir al-Ahzan (Evoker of Sorrows)*. Qom: Madrasat al-Imam Mahdi. [In Arabic]

Ibn Mashhadi, Muhammad ibn Ja'far. (1419 AH). *The Grand Shrine* (Editor & Corrector: Qayumi Isfahani, Jawad). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary. [In Arabic]

Abu Mikhnaf Kufi, Lut ibn Yahya. (1417 AH). *The Event of Karbala* (Editor & Corrector: Yusufi Gharawi, Muhammad Hadi). Qom: Jami'at al-Mudarrisin. [In Arabic]



- Arbeli, Ali ibn Isa. (1381 AH). *Removal of Grief in Knowing the Imams* (Vol. 2) (Editor & Corrector: Rasooli Mahallati, Hashem). Tabriz: Bani Hashemi. [In Arabic]
- Bahrani Isfahani, Abd Allah ibn Nur Allah. (1382 SH). *Worlds of Sciences, Knowledge, and States - Imam Ali ibn Abi Talib* (Editor & Corrector: Movahed Abtahi Isfahani, Muhammad Baqir). Qom: Mu'assasat al-Imam al-Mahdi (may Allah hasten his reappearance). [In Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388 SH, a). *Islam and International Relations*. Qom: Nashr Isra. [In Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah. (1384 SH). *Imam Khomeini's Solid Foundation* (Editor: Shahjouei, Mohammad Amin). Qom: Nashr Isra. [In Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388 SH, b). *Shokoufaei Aql dar Partov-e Nehzat-e Hosseini* (Flourishing of Reason in the Light of the Husayni Movement) (Editor: Bandali, Sa'id). Qom: Nashr Isra. [In Arabic]
- Javadi Amoli, Mortaza. (1388 SH, c). *Falsafeh Ziyarat* (Philosophy of Pilgrimage). Qom: Nashr Isra. [In Arabic]
- Hakimi, Mohammad Reza; Hakimi, Mohammad; Hakimi, Ali. (1383 SH). *Al-Hayat, The Islamic Encyclopedia* (Translator: Aram, Ahmad). Qom: Dalil-e Ma. [In Arabic]
- Hulwani, Husayn ibn Muhammad ibn Hasan ibn Nasr. (1408 AH). *The Spectator's Excursion and the Mind's Alerting* (Editor & Corrector: Madrasat al-Imam al-Mahdi). Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi. [In Arabic]
- Khamenei, Sayyid Ali. (1378 SH). *General Outline of Islamic Thought in the Quran*. Tehran: Daftar Nashr Farhang-e Eslami. [In Arabic]
- Khamenei, Sayyid Ali. (1392 SH). *General Outline of Islamic Thought in the Quran*. Tehran: Mo'asseseh-ye Iman Jahadi Sahba. [In Arabic]
- Khamenei, Sayyid Ali. (1390 SH). *(The 250-Year-Old Human), Statements of the Supreme Leader on the Political-Struggling Life of the Infallible Imams, Ayatollah Sayyid Ali Khamenei*. Tehran: Mo'asseseh-ye Iman Jahadi (Markaz Sahba). [In Arabic]



Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Basiji Professors and Students, 2003/06/08. <https://B2n.ir/tn5176> [In Arabic]

Statements of the Supreme Leader in a Meeting with a Group of Scholars from Qom Seminary (Elite in Kalam and Philosophy), 2003/01/19. <https://B2n.ir/ju1727> [In Arabic]

Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Officials and Executives of the System on Eid al-Mab'ath, 2003/09/24. <https://B2n.ir/ym8529> [In Arabic]

Khomeini, Sayyid Ruhollah. (1390 SH). *Sahifeh Imam Khomeini (Imam Khomeini's Sahifah)* (Vol. 5). Tehran: Mo'asseseh-ye Tanzim va Nashr-e Asar-e Imam Khomeini (RA). [In Arabic]

Khomeini, Sayyid Ruhollah. (1389 SH). *Misbah al-Hidayah ila al-Khilafah wa al-Wilayah (The Lamp of Guidance to Caliphate and Guardianship)* (Translator: Mostofi, Hossein). Tehran: Mo'asseseh-ye Tanzim va Nashr-e Asar-e Imam Khomeini, Mo'asseseh-ye Chap va Nashr-e Orouj. [In Arabic]

Sharifi, Mahmud & Moayyedi, Ali. (1383 SH). *Comprehensive Dictionary of Imam Hossein's Sayings, Translation with Arabic Text of Mawsu'at Kalimat al-Imam al-Husayn, Hadith Research Group of Baqir al-Ulum Research Institute.* (Translator: Moayyedi, Ali). Qom: Nashr Ma'rouf. [In Arabic]

Tabataba'i, Sayyid Mohammad Hossein. (1387 SH, a). *Teachings of Islam (Effort by Khosrowshahi, Sayyid Hadi).* Qom: Mo'asseseh-ye Boostan-e Ketab. [In Arabic]

Tabataba'i, Sayyid Mohammad Hossein. (1387 SH, b). *Shi'ism in Islam (Effort by Khosrowshahi, Sayyid Hadi).* Qom: Mo'asseseh-ye Boostan-e Ketab. [In Arabic]

Tabarsi, Ahmad ibn Ali. (1403 AH). *The Protest Against the Obstinate (by Tabarsi)* (Vol. 2) (Editor & Corrector: Kharsan, Mohammad Baqir). Mashhad: Nashr Mortada. [In Arabic]

Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1417 AH). *Informing Humanity about the Signs of Guidance (modern edition)* (Vol. 1) (Editor & Corrector: Mu'assasat Al al-Bayt). Qom: Al al-Bayt. [In Arabic]



- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (1411 AH). *Misbah al-Mutahajjid wa Silah al-Muta'abbid*. Beirut: Mu'assasat Fiqh al-Shi'ah. [In Arabic]
- Karajaki, Muhammad ibn Ali. (1421 AH). *Astonishment at the Errors of the General Public in the Matter of Imamate*. Qom: Dar al-Ghadir. [In Arabic]
- Kaf'ami, Ibrahim ibn Ali Ameli. (1418 AH). *The Secure Land and the Impenetrable Shield*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil Matbu'at. [In Arabic]
- Kaf'ami, Ibrahim ibn Ali Ameli. (1405 AH). *Al-Misbah lil Kaf'ami (Jannat al-Aman al-Waqiyah)*. Qom: Dar al-Radi (Zahedi). [In Arabic]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 2) (Editor & Corrector: Ghaffari, Ali Akbar & Akhundi, Muhammad). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vols. 22, 44, & 45). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Mohammadi Reyshahri, Muhammad. (1388 SH). *Encyclopedia of Imam Hossein* (Vol. 6), based on Quran, Hadith, and History, with cooperation of Mahmud Tabataba'inezhad, Ruhollah Seyyed Tabataba'i. (Translators: Abdolhadi Masoudi, Mehdi Mehrizi). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Mesbah, Mojtaba; Obudiyat, Abdolrasoul; Elahi Rad, Safdar; Shaban Nia, Qasem. (1399 SH). *(Series of Lessons on the Foundations of Islamic Thought (GuardianshipProject))*. Qom: Mo'asseseh Amoozeshi Pazhooheshi Imam Khomeini. [In Arabic]
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad. (1413 AH, a). *Guidance on Knowing God's Proofs for His Servants* (Editor & Corrector: Mu'assasat Al al-Bayt). Qom: Congress of Sheikh Mufid. [In Arabic]
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad. (1413 AH, b). *Al-Jamal wa al-Nusrah li Sayyid al-Itrah fi Harb al-Basrah* (Editor & Corrector: Mirsharifi, Ali). Qom: Congress of Sheikh Mufid. [In Arabic]
- Moqarram, Sayyid Abd al-Razzaq. (1399 AH). *The Martyrdom of Husayn*. Beirut: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]



Mousavi, Sayyid Mahdi. (1394 SH). *Macro Models of Production of Islamic Humanities in the Context of the Islamic Revolution*. Tehran: Aftab Tose'eh. [In Arabic]

Najmi, Mohammad Sadegh. (1386 SH). *Sayings of Husayn ibn Ali*. Qom: Boostan-e Ketab. [In Arabic]

۱۹۹



طرح کلی

طرح کلی اندیشه اسلامی در کربلا با محوریت خطبه هفتم ذی‌الضججه امام حسین (ع) در مکه

